

## بررسی اصول اخلاق اجتماعی در صحیفه سجادیه

فردین احمدوند<sup>۱</sup>

### چکیده

صحیفه سجادیه متنی کهن از مجموعه متون دعایی است. این کتاب مجموعه‌ای از معارف الهی است که امام سجاد (ع) به علت شرایط سیاسی آن روزگار به زبان دعا بیان فرموده است. در این مقاله می‌کوشیم برخی از اصول اخلاق اجتماعی مندرج در صحیفه سجادیه را بررسی کنیم که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: اصول مربوط به اخلاق خانواده، فرو خوردن خشم، صداقت، احترام به انسانیت، تواضع و فروتنی، خوش‌خلقی، سخاوت و بخشش، رفق و مدارا، وفای به عهد و عزت نفس.

**کلیدواژه‌ها:** امام سجاد (ع)، صحیفه سجادیه، اصول اخلاق اجتماعی، دعا‌های اخلاقی.

## ۱. مقدمه

اخلاق اجتماعی یکی از شاخه‌های اصلی علم اخلاق در عصر حاضر به حساب می‌آید که در آثار مکتوب اسلامی و غربی کمتر بدان پرداخته شده است. شاید بتوان گفت اولین کتابی که در حوزه اسلامی اخلاقیات را به خوبی تقسیم کرده کتاب *دستور الاخلاق فی القرآن* اثر عبدالله دراز است که در سال ۱۹۵۰ منتشر شد و در آن از حوزه‌های مختلف اخلاق از جمله اخلاق فردی، اخلاق خانواده، اخلاق اجتماعی، اخلاق دولتمردان و اخلاق دینی سخن به میان آمده است.

امروزه هم در جوامع اسلامی و هم در جوامع غربی نیاز به اخلاق بیش از پیش احساس می‌شود. در گذشته آدمی از امکانات دنیای مدرن بی‌بهره بود و لذا در صورت سقوط و تباهی، دامنه تأثیرش نسبتاً محدودتر بود؛ اما امکاناتی از قبیل دسترسی به وسایل ارتباط جمعی، ماهواره‌ها و تکنولوژی پیشرفته سبب شده است تباهی آدمی دامنه‌ای نامحدود بیابد. بدین ترتیب فساد اخلاقی در حوزه فردی محدود نمی‌ماند و به راحتی مرزها را در هم می‌نوردد و از حصار خانه‌ها می‌گذرد و هیچ زاویه‌ای را از تأثیرات ویرانگر خود مصون نمی‌گذارد. افزون بر این، با پیشرفت تکنولوژی در عرصه‌های مختلف و شکل‌گیری زمینه‌های گوناگون نیاز به اخلاق خاص در برخی زمینه‌ها جدی‌تر شده است.

«در انگاره بسیاری از پیروان ادیان الهی، ارتباط استواری میان دین و اخلاق وجود دارد؛ به گونه‌ای که نیازهای اخلاقی خود را عمدتاً از دین برآورده، خود را برای بازیافت یک نظام اخلاقی صحیح و آنچه اخلاقاً درست یا نادرست است، نیازمند بازاندیشی مستقل نمی‌یابند. آنان که با مراجعه به متون دینی و آموزه‌های رهبر دینی خود، در می‌یابند که کارهای خوب کدام و کارهای بد کدام است، نزد ایشان وحی الهی بهترین شیوه برای به دست آوردن یک نظام اخلاقی است.» (شیروانی، ۱۳۸۴، ص ۶۱)

انسان موجودی است اجتماعی، و برای تأمین سعادت و رفاه خود ناگزیر است با دیگران همکاری و همگامی داشته باشد. هر یک از انسان‌ها به حکم آفرینش و زمینه فطری علاقه دارند که آزاد باشند، حال آنکه این امر به طور مطلق با خواست و روش جامعه سازگار نیست. برخی افراد هم در متن جامعه خواهان زندگی حیوانی هستند و خود را به فضائل اخلاقی و ملکات نفسانی نیاراسته‌اند. گذشته از این، انسان‌ها دارای گزینه‌های استفاده هستند و دائماً در حال اختلاف‌اند.<sup>۱</sup>

۱. قرآن کریم می‌فرماید: «و لو شاء ربك لجعل الناس امة واحدة و لا یزالون مختلفین»؛ و اگر پروردگار تو می‌خواست، قطعاً همه مردم را امت واحدی قرار می‌داد، در حالی که پیوسته در اختلاف‌اند.» (هود: ۱۱۸)

بنابراین، لازم است در اجتماع ضابطه و معیاری وجود داشته باشد و همه افراد رفتار و سلوک خود را بر آن مبنا قرار دهند و حیات جمعی خود را نظام ببخشند. جامعه نیازمند قانون است ولی بیش از آن به اخلاق محتاج است؛ چراکه اخلاق زندگی‌ها را انسانی کرده و مبنای قانون قرار می‌گیرد. از آنجایی که زندگی اختیاری در اجتماع مقدمه‌ای برای تکامل همه افراد است و از طرفی ادامه حیات اجتماعی بدون حاکمیت اخلاق و قانون امکان‌پذیر نیست، مسلماً بهترین نسخه اخلاقی را کسی می‌تواند برای انسان بیپنجد که خودش او را آفریده و کتاب قرآن را برای هدایت و راهنمایی او ارسال داشته است.

ادعیه ائمه اطهار (ع) تالی تلو قرآن کریم است و در مقابل قرآن مجید که کلام نازل است، کلام صاعد لقب گرفته است. صحیفه سجادیه امام سجاد (ع) یکی از منابع عظیم اخلاقی است که در این مقاله می‌کوشیم اصول اخلاق اجتماعی موجود در آن را به صورت مدون طرح کنیم.

## ۲. معنای اخلاق

در معنی واژه اخلاق میان علما و دانشمندان اسلامی اختلاف نظر وجود دارد. راغب اصفهانی معتقد است: «خُلُقٌ «به ضم» و خَلْقٌ «به فتح» در اصل یک معنا دارند؛ لیکن برحسب استعمال: خَلْقٌ را در صورت‌ها و اشکال ظاهری که با چشم دیده می‌شوند و خُلُقٌ را در صفات و سجایای باطنی که با دیده بصیرت درک می‌شوند، استعمال می‌کنند. بنابراین اخلاق عبارت است از صورت درونی و چهره باطنی انسان. (جزایری، ۱۳۸۲، ص ۵؛ مهدوی‌کنی، ۱۳۷۴، ص ۱۳)

«غزالی اخلاق را حالتی راسخ و موثر در روان انسان که در سایه آن بدون اندیشه و تأمل افعال و رفتار از بشر ظاهر می‌شود می‌داند. دیگران اخلاق را عبارت از ملکات و صورت‌های نفسانی ثابت که از تکرار عمل حاصل می‌شود، می‌دانند. گروهی اخلاق را عبارت از مجموعه اصول حاکم بر رفتار انسانی و پاسداری از این روابط می‌دانند. (قائمی، ۱۳۶۴، ص ۳۱) «گاهی واژه اخلاق صرفاً در مورد صفات و افعال نیک و پسندیده به کار می‌رود، مثلاً ایشارگری را صفتی اخلاقی و عمل دزدی را غیر اخلاقی می‌نامند.» (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۱۶)

فخر رازی خُلُقٌ را عبارت از ملک‌های می‌داند که به واسطه آن، افعال از نفس به آسانی و بدون به کار بردن اندیشه صادر می‌شود. (رازی، بی‌تا، ص ۲۰۱) عبدالرزاق لاهیجی نیز می‌نویسد: «خلق ملک‌های است نفسانی که مقتضی سهولت صدور افعال از نفس بدون نیاز به فکر و تأمل می‌باشد.» (لاهیجی، ۱۳۷۷، ص ۴۸۵) «در غیاث‌اللغات معادل خلق، خوی آمده است و در لغت عرب به معنای عادت، طبیعت، سجیت، دین و مروّت آمده است.» (حلبی، ۱۳۸۲،

(ص ۱۷۸)

مرحوم فیض کاشانی اخلاق را این‌گونه تعریف کرده است: «اخلاق هیئتی است استوار و راسخ در جان، که کارها به آسانی و بدون نیاز به تفکر و اندیشه از آن صادر می‌شود. اگر این هیئت به گونه‌ای باشد که افعال زیبا و پسندیده از نظر عقل و شرع، از آن صادر شود، آن را اخلاق نیک می‌نامند و اگر افعال زشت و ناپسند از آن صادر شود، آن را اخلاق بد گویند.» (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ص ۱۴)

علامه مجلسی در تعریف اخلاق می‌گوید: «اخلاق ملکه‌ای نفسانی است که کار به آسانی از آن صادر می‌شود. برخی از این ملکات فطری و ذاتی‌اند و پاره‌ای از آنها نیز با تفکر و تلاش و تمرین و عادت دادن نفس به آنها، به دست می‌آیند ... چنان‌چه بخیل در ابتدا با سختی و جان‌کندن چیزی را می‌بخشد، اما در اثر تکرار بخشش به صورت خوی و عادت او در می‌آید.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۳۷۲)

اخلاق عبارت است از: «مجموعه ملکات نفسانی و صفات و خصایص روحی. اخلاق در این معنا، یکی از ثمرات تربیت بلکه مهم‌ترین ثمره آن است.» (سادات، ۱۳۸۴، ص ۸) «اخلاق از نظر لغوی به مجموعه فضائل و رذائلی که در انسان به صورت ملکه در آمده‌اند اطلاق می‌شود.» (هاشمی، ۱۳۸۸، ص ۲۹)

در این نوشتار مراد از اخلاق، همین تعریف است؛ صفتهای نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتارهای اختیاری متناسب با آن صفتهای که شامل پسندها و ناپسندهای اخلاقی می‌شود. در مکتب اسلامی اخلاق می‌بایست از ضمانت اجرایی ایمان و مذهب برخوردار باشد و الا اخلاق، اخلاق نخواهد بود.

«مرحوم احمد نراقی در کتاب *سیف الامه و برهان‌المله* (که در رد نظریات هنری مارتین مسیحی است) به مدنی بالطبع بودن انسان و متفاوت بودن انسان‌ها با یکدیگر و ضرورت ضابطه و قانون و حاکمیت خدا و پس از آن تعیین فردی از سوی خدا برای بیان احکام تکلیفیه انسان اشاره می‌نماید.» (کیخا، ۱۳۸۶، ص ۱۴۳)

### ۳. اخلاق اجتماعی

بروس کوئن در تعریف اجتماع می‌گوید: «اجتماع عبارت است از گروهی از مردم که در یک منطقه خاص جغرافیایی اسکان دارند و دارای فرهنگ و شیوه زندگی مشترکی‌اند، به وحدت خاص میان خود آگاه‌اند و به طور جمعی یک هدف را دنبال می‌کنند. نمونه‌هایی از اجتماعات عبارت‌اند از: حوزه‌های شهری، شهرها، شهرستان‌ها، محله‌ها و روستاها.» (کوئن، ۱۳۸۳، ص ۳۰۳)

### ۱/۳. اخلاق اجتماعی در حوزه اسلامی

«مراد از اخلاق آن دسته از بایدها و نبایدهای غیر الزامی که اعم از صفات نفسانی و افعال هستند، می‌باشد و به چنین اخلاقی اگر مربوط به روابط گروهی و جمعی باشد، اخلاق اجتماعی گفته می‌شود». (حق‌شناس، ۱۳۸۶، چکیده)

«اخلاق اجتماعی، صفات و ملکاتی است که در رابطه بشر و اجتماع مطرح می‌گردد، به طوری که فرضاً [اگر] جامعه و اجتماع در کار نباشد، آن صفات مفهومی نداشته و تحقق نمی‌پذیرد؛ مانند صفات پسندیده اجتماعی، سخاوت، وفای به عهد، تواضع و فروتنی، عدالت ... و صفات ناپسند اجتماعی مانند، حسادت، بخل، تکبر، ظلم و ...». (جزایری، ۱۳۸۲، ص ۲۳)

مصباح یزدی می‌نویسد: «اخلاق اجتماعی، کارهایی است که انسان در ارتباط با دیگران انجام می‌دهد و روابطی است که با دیگران برقرار می‌کند». (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۹)

### ۲/۳. اخلاق اجتماعی در مغرب‌زمین

برخی از اندیشمندان غربی معتقدند به دلیل فرهنگ‌های مختلف و همچنین اعتقادات مختلف افراد و جوامع، تعریف اخلاق اجتماعی به عنوان یک امر مطلق کار مشکلی است؛ اخلاق اجتماعی از تجربه جمعی مردم و فرهنگ‌ها در طول زندگی به دست آمده است.

در اخلاق هنجاری تقسیمی صورت گرفته و آن را به دو بخش نظری و کاربردی تقسیم کرده‌اند. «اخلاق کاربردی نیز اگرچه در گذشته مورد توجه قرار داشته، اما مدتی مورد بی‌توجهی بوده، امروزه توجه دوباره‌ای نسبت به آن صورت گرفته است». (ویلیامز، بی‌تا، ص ۱۵)

در دامن اخلاق کاربردی تقسیم دیگری صورت پذیرفته و آن را به اخلاق اجتماعی و اخلاق فردی تقسیم کرده‌اند. یکی از تقسیماتی که علما و دانشمندان اخلاق اسلامی در زمینه اخلاق داشته‌اند تقسیم اخلاق به نظری و عملی است. با سیری در کتب مهم اخلاقی علمای اخلاق اسلامی همچون *اخلاق ناصری*، *طهاره الاعراق*، *احیاء العلوم* و *محجۃ البیضاء* ... آنچه به نظر می‌رسد، این است که جنبه عملی اخلاق در این کتاب‌ها بیشتر بوده و بر جنبه نظری حاکم است. خصوصاً در عرفان اسلامی این جنبه کاملاً مشهود است.

«ارسطو معتقد بود که مطالعه اخلاق اگر بر شیوه زندگی فرد، تأثیر سودمندی نداشته باشد، خالی از فایده است». (کریب، ۱۳۷۸، ص ۳۹۸)

«مسائل اخلاقی بر اساس قرآن کریم و روایات به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱. مسائل فردی که در آن اصول و ضوابطی برای پیراستن فرد از رذایل اخلاقی و آراستن خود به فضائل ... [مطرح] است. ۲. مسائل جمعی که در آن رعایت اصول دیگران مطرح است مثل

نیکی کردن به پدر و مادر، هدایت مردم و ...». (قائمی، ۱۳۶۴، ص ۵۶)

با سیری در کتب مهم اخلاقی علمای اخلاق اسلامی چنین به نظر می‌رسد که جنبه فردی اخلاق حاکم بر جنبه اجتماعی آن است. چنانچه کیخا می‌نویسد: «محقق سبزواری معتقد به تقدم اخلاق فردی بر اخلاق جمعی بود، و به همین خاطر تأثیر اخلاق پادشاه بر اخلاق سایر مردم را گوشزد می‌کرد ... این مسئله (تقدم اخلاق فردی بر جمعی) مسئله مفروض بسیاری از علما و اندیشمندان مسلمان در گذشته و امروزه بوده است که اصلاح جامعه را در گرو مسئله اخلاق فرد می‌دانند». (همان، ص ۱۱۳)

«اغلب مسائل اخلاقی مطرح شده در معراج السعاده برای تزکیه اخلاق افراد جامعه به صورت فردی بیان شده است». (کیخا، ۱۳۸۶، ص ۱۴۰)

از جهتی شاید حق هم همین باشد، چراکه اگر افراد ساخته شوند، اجتماع خود به خود ساخته خواهد شد. و لکن این نکته را هم بایستی در نظر داشت که اگر چنانچه محیط و اجتماع اخلاقی باشد، مسلماً افراد را تحت تأثیر قرار خواهد داد. «اصول اخلاق اجتماعی در اسلام به دست آمده از روش استقرایی و ناشی از مطالعه و مشاهده اندیشه‌های خود و دیگران نیست، بلکه استخراج شده از متن تعالیم اسلامی و از کتاب و سنت است». (قائمی، ۱۳۶۴، ص ۷۱)

#### ۴. اخلاق اجتماعی در صحیفه سجادیه

صحیفه سجادیه یکی از چند اثر مکتوب به جا مانده از امام سجاد (ع) است که نخستین نیایش‌نامه مکتوب جهان اسلام، دومین کتاب مکتوب در اسلام و سومین کتاب مقدس شیعیان محسوب می‌شود.

صحیفه به القابی نظیر «زبور آل محمد (ص)» «انجیل اهل البیت (ع)» و «اخر القرآن» شهرت دارد و به دلیل ارجمندی صحیفه سجادیه در بین مسلمین مخصوصاً شیعیان شروع فراوانی بر آن نوشته شده و به زبان‌های مختلف نیز ترجمه شده است. مهم‌ترین اصول اخلاق اجتماعی در صحیفه سجادیه عبارت‌اند از:

##### ۱/۴. اصل مسئولیت در برابر خانواده

امام سجاد (ع) در دعای ۱۷ فراز ۱۰ می‌فرماید: «بار خدایا ... پدران، مادران و فرزندان و قبیله‌ها و خویشان و نزدیکان و همسایگان ما را از مردان و زنان اهل ایمان از شر او (شیطان) در جای استوار و قلعه نگهدارنده و بازدارنده قرار ده و برای مبارزه با او زره‌های حفظ‌کننده و سلاح‌های برنده عطا فرما».

در جای دیگر، پاداش کسانی را که در خدمت خانواده‌های رزمندگان انجام وظیفه می‌کنند و به جای ایشان مسئولیت خانواده‌های آنها را به عهده می‌گیرند هم‌وزن پاداش با رزمندگان، از خدا درخواست می‌کند و در دعای ۲۷ فراز ۱۶ می‌فرماید: «... پس او را برابر پاداش آن مسلمان جنگجو و مرزبان سنگ به سنگ و مانند به مانند پاداش ده ...».

در جای دیگری از خداوند درخواست می‌کند که یاد خانواده رزمندگان و جنگجویان را از ذهن و فکرشان دور کند، چراکه فکر مسئولیت در برابر خانواده ممکن است عاملی جهت کاهش کارایی آنان به حساب آید؛ امام (ع) در دعای ۲۷ فراز ۱۳ می‌فرماید: «... و یاد زن و فرزند را فراموشش ساز».

البته مسئولیت اعضای خانواده به تناسب نقشی که هر یک از اعضا در خانواده ایفا می‌کنند متفاوت است.

#### ۲/۴. اصل فرو خوردن خشم

امام سجاد (ع) در دعای ۸ فراز ۱ می‌فرماید: «بار خدایا به تو پناه می‌برم از حرص و آز و تندى غضب و خشم ...».

و در دعای ۴۲ فراز ۱۲ می‌فرماید: «بار خدایا ... (قرآن)، و در دنیا از خشم تو و تجاوز گذشتن از احکام بازدارنده ...».

و در دعای ۴۹ فراز ۱۳ می‌فرماید: «... و مرا آن همه احسان و نیکی از آنچه تو را خشم می‌آورد منح و جلوگیری نمود ...».

و در دعای ۱۶ فراز ۲۶ می‌فرماید: «... بردباری تو درباره من و درنگ تو از به کیفر رساندن من ... بلکه برای مدارا و خوش رفتاری و احسان تو است بر من تا از معصیت خشم‌آور تو دست بردارم، و ...».

امام سجاد (ع) در دعای ۲۰ فراز ۱۰ می‌فرماید: «بار خدایا بر محمد و آل او درود بفرست، و مرا به زینت صالحان و شایستگان، انجام حقوق خدا و مردمی آراسته فرما، و زیور پرهیزگاران را به من ببوشان، با (توفیق برای) گستردن عدل و داد و فرو نشاندن خشم و خاموش کردن آتش دشمنی ...».

امام سجاد (ع) در دعای ۱۴ فراز ۸ می‌فرماید: «بار خدایا بر محمد و آل او درود بفرست، و مرا در برابر او یاری کنی؛ یاری کردن آماده‌ای که (چشم به راه آن نباشم تا) خشم به او، بهبودی من باشد و کینه‌ام را به سر رساند».

#### ۳/۴. اصل صداقت

امام سجاد (ع) در دعای ۲۹ فراز ۴ می‌فرماید: «پس گفته‌ای و گفتار تو حق و درست و راست‌ترین (گفته‌ها) است (که دروغ در آن راه ندارد) و قسم یاده کرده‌ای ...».

همچنین امام (ع) در دعای ۳۹ فراز ۱۳ می‌فرماید: «و اما تو - ای خدای من - شایسته‌ای که صدیقین و بسیار راستگویان (پیغمبران) به (رحمت) تو مغرور نشوند و فریب نمی‌خورند و گناهکاران از (عفو و گذشت) تو نومید نگردند ...».

همچنین در دعای ۲۲ فراز ۸ می‌فرماید: «بار خدایا بر محمد و آل او درود بفرست، و برای آخرتم رغبت و مواظبت در عمل (بندگی) برای تو را روزیم فرما تا از روی دل راستی و درستی بندگی را بشناسم، و تا اینکه بر رغبتی در دنیا بر من دست یابد، و تا اینکه نیکی‌ها را با شوق و میل به جا آورم، و از بدی‌ها از روی بیم و ترس (کیفر آن) ایمن و آسوده باشم ...».

همچنین در دعای ۵۴ فراز ۴ می‌فرماید: «بار خدایا بر محمد و آل محمد درود بفرست، و مرا بر راستی (در قصد و گفتار و کردار) بمیران ...».

#### ۴/۴. اصل احترام به انسانیت

امام سجاد (ع) در دعای ۲۰ فراز ۳ می‌فرماید: «... و خیر و نیکی برای مردم را به دست من روان ساز و آن را به منت نهادن باطل مفرما».

صالح غفاری در کتاب *مدینه فاضله* در شرح این فراز می‌نویسد: «... خداوند برای پیدایش این محبت که اساس سعادت و آسایش بشر است، انسان‌ها را مکلف به احسان و خدمت به یکدیگر کرده تا از این خدمت، محبت به وجود آید و از آن محبت، تمدنی به نام مدینه فاضله. تنها عاملی که محبت را فاسد می‌کند و به جای اینکه بین دو نفر انسان در اثر خدمت محبت به وجود آید، عداوت پیدا می‌شود، منت‌گذاری بر انسان مخدوم است، اگر به انسانی خدمت کردی بایستی به او بفهمانی که این احسان و خدمت به منظور احترام به انسانیت توست ...» (صالح غفاری، ۱۳۷۲، ص ۱۸۸)

همچنین امام (ع) در دعای ۲۷ فراز ۳ می‌فرماید: «بار خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست ... و آنچه (در برخورد با دشمن) نمی‌دانند به آنها بیاموز ...». مطمئناً یکی از جلوه‌های آنچه نمی‌دانند در این فراز احترام به انسانیت انسانی دشمن است. هرچند معمولاً در جنگ و دشمنی آنچه که در ابتدا به ذهن آدمی می‌آید نقشه و دسیسه‌های دشمن است، لکن می‌توان از جهت دیگر نیز جنگ و دشمنی را با توجه به فرازهای دیگر صحیفه که همواره از خداوند می‌خواهد که دشمنی آنان را به دوستی تبدیل کند، وجه رفتار با دشمن بر اساس انسانیت را

هم در نظر گرفت.

امام (ع) در دعای ۱ فراز ۱۷ می‌فرماید: «و سپاس خدایی را که نیکویی‌های آفرینش را برای ما برگزید، و روزی‌های پاکیزه (حلال و روا) را بر ما روان (فراوان) گردانید». ایشان در این فراز همانند قرآن که انسان را خلیفه‌الله معرفی کرده است، انسان را برتر از تمام مخلوقات می‌شمارد و در آن مفهوم انسان و انسانیت را مد نظر داشته نه فقط گروه خاصی مثل مؤمنان یا شیعیان را.

در دعای ۳۹ فراز ۲ نیز می‌فرماید: «بار خدایا ... پس او را در ستمی که به من کرده بیمارز و در حقی که از من برده درگذر... بر اثر آنچه به من خواسته (و آزار) روا داشته رسوایش مکن ...».

مسلم است که آنچه از این فراز استنباط می‌شود عفو و بخشش و گذشت امام (ع) نسبت به بنده گناهکار و ظالم و ... به حسب انسانیت و انسان بودن اوست و نه چیز دیگر.

در دعای ۴۴ فراز ۱۰ نیز می‌فرماید: «و ما را در آن ماه (رمضان) توفیق دهد که با نیکی فراوان و بخشش به خویشان خود نیکی کنیم و با احسان و عطا از همسایگانمان جويا شویم ... و با کسی که با ما دشمنی کرده است آشتی کنیم، جز کسی که در راه تو و برای تو با او دشمنی شده باشد ...».

امام (ع) در این فراز توفیق خدمت به مردم به واسطه انسانیتشان را از خداوند می‌خواهد مگر کسانی که با خدا دشمنی کرده‌اند.

«یکی از ویژگی‌های مثبت انسان نوع‌دوستی است که از فطرت او سرچشمه می‌گیرد و در بخش‌های مختلف صحیفه سجادیه به آن اشاره شده است؛ مثلاً دعای سی و نهم در بردارنده بهترین روش‌های مردم‌دوستی صادقانه است که به زبان نیایش بیان شده است.» (فرزانه، ۱۳۸۴، ص ۷۳)

#### ۵/۴. اصل تواضع و فروتنی

امام سجاد (ع) در دعای ۲۶ فراز ۲ می‌فرماید: «و آنان را توفیق ده برای بر پا داشتن طریقه و روش تو و فرا گرفتن اخلاق نیک خود و سود رساندن به ناتوانان، و جلوگیری از نیازمندی‌شان، و رفتن نزد بیمارشان، و راهنمایی کردن راه جویانشان و ...».

و در دعای ۳۰ فراز ۴ می‌فرماید: «بار خدایا همنشینی فقرا و درویشان را برایم محبوب گردان ...».

«امام سجاد (ع) گاهی اوقات این فروتنی را در قالب دوست داشتن همنشینی با بیچارگان

از خدا طلب می‌کند». (همان، ص ۸۴)

و در دعای ۲۰ فراز ۴ می‌فرماید: «بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست، و مرا در میان مردم به درجه و مقامی سرفراز مفرما جز آنکه پیش نفسم مانند آن پست نمایی، و ارجمندی آشکارا برابم پدید میاور جز آنکه به همان اندازه پیش نفسم برای من خواری پنهانی پدید آوری».

«در این فراز از امام (ع) فروتنی و دوری جستن از کبر و خودپسندی را نه تنها به عنوان رفتاری مناسب در برابر دیگران، بلکه به عنوان حالتی درونی می‌داند». (همان)

در دعای ۱۶ فراز ۱۳ نیز می‌فرماید: «و من ای خدای من، بنده توام که او را به دعا امر فرمودی و گفت اطاعت می‌کنم و فرمانت به جا می‌آورم، اینک منم ای پروردگار بنده‌ای که در پیشگاهت افتاده».

امام (ع) در دعای ۱۳ فراز ۲۱ می‌فرماید: «بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست، و دعای مرا برآورنده و به آوازم نزدیک و به زاری‌ام مهربان و به صدایم شنوا باش».

همچنین در دعای ۱۲ فراز ۱۴ می‌فرماید: «و من نزد تو از سرکشی بیزاری می‌جویم، و به تو پناه می‌برم از اینکه (بر گناه) اصرار کنم و برای آنچه در آن کوتاهی کردم از تو آمرزش می‌خواهم، و بر آنچه از انجام آن ناتوانم از تو یاری می‌طلبم».

در دعای ۲۱ فراز ۷ می‌فرماید: «بار خدایا صبح و شام کردم در حالی که بنده خوار توام، و جز به کمک تو بر سود و زیان خویش توانا نیستم، درباره خود به آنچه گفتم گواهی می‌دهم، و به ناتوانی و بیچارگی خویش اقرار دارم ... زیرا من بنده بی‌چیز، فروتن، ناتوان، بدحال، کوچک، خوار، نیازمند، ترسان و پناهنده تو هستم».

در دعای ۴۷ فراز ۷۴ نیز می‌فرماید: «و از تو درخواست می‌کنیم همچون درخواست پست خوار نیازمند بی‌چیز ترسنده زنه‌ارخواه، و با این حال درخواستم از روی ترس و زاری و پناه‌خواهی است ...».

در دعای ۴۷ فراز ۲۶ نیز می‌فرماید: «منزه و پاک! هر که در علم تو گذشته در برابر تو متواضع و فروتن، و آنچه زیر عرش تو است برای بزرگی تو خاشع است و همه آفریدگانت برای فرمانبرداری از تو فرمانبرند».

در دعای ۴۷ فراز ۶۹ می‌فرماید: «و اینک منم در پیشگاه تو پست، خوار، فروتن، زاری‌کنان، ترسان و اقرارکننده به گناهان ...».

در دعای ۵۰ فراز ۴ نیز می‌فرماید: «بار خدایا تو طالب منی اگر فرار کنم، و دریابنده منی اگر بگریزم، پس اینک منم در پیشگاهت فروتن، خوار، بینی بر خاک نهاده ...».

در دعای ۴۷ فراز ۱۱۸ می‌فرماید: «و مرا در پیشگاه خود خوار و در نزد آفریدگانت عزیز و ارجمند گردان، و چون با تو خلوت کرده و تنها باشم فروتن و در میان بندگان بلندمرتبه و سرافرازم نما...».

در دعای ۲۰ فراز ۱۰ نیز می‌فرماید: «بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست و مرا به زینت صالحان و شایستگان آراسته فرما و ... و فروتنی و شکسته نفسی، نیکو روشی ...».

در دعای ۴۷ فراز ۱۲۷ می‌فرماید: «و کینه داشتن برای اهل ایمان را از سینه‌ام برکن، و دلم را با فروتنان مهربان گردان...».

در دعای ۴۴ فراز ۹ نیز می‌فرماید: «و ما را در نماز همچون کسانی قرار ده که... با کامل‌ترین طهارت و پاکی و رساترین خشوع و فروتنی به جا آورنده‌اند».

در دعای ۴۴ فراز ۱۷ می‌فرماید: «بار خدایا ماه رمضان را از عبادت ... و اوقات آن را به طاعت و فرمانبری ما برای تو آراسته نما ... و در شبش به نماز و زاری به سوی تو، و فروتنی برای تو و خواری در برابر (عظمت) تو یاری فرما...».

در دعای ۲۶ فراز ۳ نیز می‌فرماید: «و بار خدایا ... و با پاکدامنی چشمم را از (لغزش‌های) آنان (همسایگان) بیوشانم، و با فروتنی با آنها نرم باشم و با مهربانی با گرفتارانشان رقت داشته ...».

در دعای ۲۰ فراز ۱۲ می‌فرماید: «بار خدایا مرا چنان قرار ده که ... به هنگام درویشی و بیچارگی به درگاه تو زاری کنم، و مرا در حالت اضطرار به یاری خواستن از غیر خود و چون فقیر کردم به فروتنی برای درخواست از غیر خویش ... آزمایش مفرما...».

در دعای ۳ فراز ۹ می‌فرماید: «پس با زاری در برابر تو ایستاده، و با فروتنی دیده بر زمین انداخته، و برای عزّت و بزرگواریت با خواری سر به زیر افکنده، و با خضوع از راز خود ... و با فروتنی از گناهانش آنچه تو حساب آن را بهتر می‌دانی شمرده...».

یکی از جلوه‌های ویژه فروتنی، نرم‌خویی است؛ امام سجاد (ع) از خداوند می‌خواهد که با پدر و مادر خود نرم‌خو باشد و در نهایت تواضع با آنان صحبت و رفتار کند. در دعای ۲۴ فراز ۶ می‌فرماید: «بار خدایا صدایم را در برابر ایشان آهسته و سخنم را خوشایند و خویم را نرم گردان».

#### ۶/۴. اصل خوش خلقی

در دعای ۲۰ فراز ۷ در خصوص تغییر رفتار بد خویشان می‌فرماید: «بار خدایا ... دشمنی آشنایان را به دوستی و بدر رفتاری خویشان را به خوش رفتاری تغییر ده».

هرچند خوش رفتاری اخص از خوش خلقی است، اما یکی از جلوه‌های مهم آن به حساب می‌آید.

در دعای ۳۶ فراز ۷ نیز می‌فرماید: «زیرا تویی بسیار نعمت‌دهنده و بسیار بخشاینده نعمت‌های بزرگ، پذیرنده سپاس اندک، پاداش‌دهنده سپاس کم، نیکوکار خوش رفتار، و دارای فضل و احسان، جز تو خدایی نیست». هرچند در این فراز یکی از اوصاف رفتاری خداوند وصف می‌شود، اما می‌توان خوش خلقی را هم از آن استنباط کرد.

در دعای ۴۹ فراز ۷ نیز می‌فرماید: «و چه بسیار ستمگری که با مکر و فریب‌هایش به من ستم کرد ... و وقت مناسبی برای شکارش در حالی که خوش رویی و چالپوسی را برایم آشکار ساخت ...».

از فراز فوق می‌توان استنباط کرد که برخی از خوش رویی‌ها که همراه تملق و چالپوسی است از مکر و فریب‌های دشمن است و خوش رویی همواره صفت خوب بندگان پرهیزگار خدا نیست.

در دعای ۲۰ فراز ۱۰ نیز می‌فرماید: «بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست و مرا به زینت صالحان و شایستگان آراسته فرما ... و نرم‌خویی و فروتنی و نیکو روشی، و سنگینی، و خوش‌خویی (با مردم) و پیشی گرفتن [در] نیکی ... کامل گردان».

در دعای ۲۴ فراز ۶ درباره خوش خلقی با والدین می‌فرماید: «بار خدایا صدایم را در برابر ایشان آهسته ... و خویم را نرم نما، و دلم را بر آنان مهربان کن ...».

در دعای ۸ فراز ۱ نیز می‌فرماید: «بار خدایا به تو پناه می‌برم از حرص و آز و ... سوء خلق و بدخویی و افراط خواهش نفس و ...».

#### ۷/۴. اصل سخاوت و بخشش

امام سجاد (ع) در دعای ۳۰ فراز ۴ می‌فرماید: «بار خدایا همنشینی فقرا و درویشان را برایم محبوب گردان ...».

از فراز فوق این نکته استنباط می‌شود که علاوه بر رفع نیازهای مادی فقرا و درویشان، می‌بایست همچنین نیازهای عاطفی و معنوی آنان را با دوستی کردن و دلجویی از آنان برآورده ساخت و سخاوت، تنها بذل مال و اموال نیست، بلکه بذل مهر و محبت و دوستی نیز از جلوه‌های سخاوت و بخشش است.

امام (ع) در دعای ۳۰ فراز ۳ می‌فرماید: «بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست ... و انفاق و خرج کردنم را در راه‌های خیر و نیکی بگردان ...».

از این فراز می‌توان چنین استنباط کرد که سخاوت و بخشش، زمان، و مکان خاصی دارد.

به عبارت دیگر، سخاوت جایگاه صحیح و درستی دارد و انسان باید بداند در چه موردی سخاوت به خرج دهد و چه امری را در اولویت قرار دهد؛ همچنین نیاز به علم و آگاهی نیز دارد که امام (ع) از خداوند می‌خواهد که آن علم را به ایشان تفضل فرماید. ایشان در دعای ۲۰ فراز ۳ می‌فرماید: «بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست ... و خیر و نیکی برای مردم را به دست من روان ساز (توانگرم گردان تا به ایشان احسان کنم) و آن را به منت نهادن باطل مفرما ...».

از این فراز می‌توان دو نکته را استنباط کرد؛ اول آنکه تا آدمی خود توانمند نباشد نمی‌تواند به دیگران کمک کند و به همین سبب است که از خداوند طلب توانگری می‌کند. همچنان که در متون اخلاقی آمده است که اگر توانمند نیستی باید قناعت کنی و اگر توانمند هستی باید انفاق کنی. دوم اینکه احسان و بخشش به دیگران می‌بایست بدون منت گذاردن بر آنها باشد؛ چراکه موجب بطلان ارزش کار خواهد شد و به نحو التزام می‌توان فهمید که بخشش بایستی فقط برای رضای حق تعالی باشد و نه چیز دیگر.

امام (ع) در دعای ۸ فراز ۳ می‌فرماید: «(بار خدایا به تو پناه می‌برم) ... و خوار شمردن فقرا و نیازمندان ... و شکر به جا نیوردن از کسی که به ما نیکویی کرده».

از این فراز هم می‌توان دو نکته استنباط کرد: اولاً نیکی و بخشش به دیگران نباید سبب شود که به شخصیت و حیثیت و ارزش والای انسانی آنها در نظر نیکی‌کننده صدمه وارد شود و کمک‌دهنده آنان را خوار و ذلیل بشمارد. نکته دوم لزوم قدردانی و قدرشناسی یاری‌شونده از یاری‌کننده است که مسلماً شکر و سپاسگزاری خداوند که یاری‌دهنده همه موجودات است در اولویت خواهد بود.

در دعای ۲۴ فراز ۹ و ۱۰ می‌فرماید: «بار خدایا آنچه پدر و مادر در گفتار با من تعدی کرده‌اند یا در کردار درباره من بیجا رفتار کرده‌اند ... من آن را به آنان بخشیدم ... و از تو خواهانم که وبال و گرفتاری آن را از ایشان برداری (آنها را ببخشی) ... زیرا حق ایشان بر من واجب‌تر و نیکی ایشان به من دیرین‌تر و ...».

از این فرازها می‌توان این نکته را استنباط کرد که اگر کسی حقی بر گردن ما دارد ما بایستی قدردان و قدرشناس او باشیم؛ چراکه علت بخشش والدینی که به فرزندان خود تعدی و ظلم کرده‌اند را حقی می‌داند که والدین از قبل بر گردن فرزندان خود دارند.

در دعای ۲۰ فراز ۷ و ۸ می‌فرماید: «بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست و درباره من تغییر ده دشمنی سخت دشمنان را به دوستی ... و آنکه مرا می‌ترساند سلامتی ببخش و ...».

«حضرت در پی درخواست مکارم اخلاق، اصلاح و هدایت دشمنان را از پروردگار

خواستارند. ایشان عملاً شیوه گذشت و بزرگواری را به ما می‌آموزد که نه تنها پاسخ دشمنی و عداوت مقابله به مثل نیست، بلکه باید از آن هم فراتر رفته، اصلاح و هدایتشان را از پروردگار درخواست کرد». (رکنی یزدی، ۱۳۸۳، ص ۸۴)

ایشان در دعای ۲۰ فراز ۸ از خداوند می‌خواهد به کسی که ایشان را ترسانده است سلامتی ببخشد نه اینکه او را بترساند و این نهایت بزرگواری و بخشش است.

در دعای ۴۵ فراز ۲ نیز می‌فرماید: «و ای آنکه بر عطا و بخشش (به بندگانش) پشیمان نمی‌شود». از این فراز می‌توان چنین استنباط کرد که انسان بخشنده و نیکوکار هم نباید پس از بخشش پشیمان شود؛ چراکه در فرهنگ اسلامی انسان خلیفه خدا بر روی زمین است و می‌بایست صفات خدایی داشته باشد، هرچند با درجه بسیار نازل‌تر.

در دعای ۴۷ فراز ۱۱۲ می‌فرماید: «... و احسان و بخشش را پی در پی بر من برسان». از این فراز نیز می‌توان چنین استنباط کرد که انسان بخشنده و نیکوکار می‌بایست بذل و بخشش خود را استمرار بخشد نه اینکه یک بار بخشش کند و دیگر نه.

در دعای ۴۴ فراز ۱۰ نیز می‌فرماید: «و ما را در آن ماه (رمضان) توفیق ده که به نیکی فراوان و بخشش، به خویشان خود نیکی کنیم، و با احسان و عطا از همسایگانمان جویا شویم...».

به نظر می‌رسد امام (ع) در این فراز دو نکته را گوشزد کرده است؛ نخست اینکه بخشش زمان خاصی دارد که بهترین زمان آن رمضان و عید فطر است؛ دوم اینکه در بخشش اولویت‌ها باید رعایت شود، چراکه در فرهنگ اسلامی افراد به تناسب دوری و نزدیکی‌ای که به ما دارند بر اساس «اصل اولویت» وظیفه ما نسبت بدانها هم متفاوت است و اول بایستی از خویشان و در پله بعد همسایگان که مقداری دورترند و سپس به سوی دیگران رفت و بخشش کرد.

در دعای ۲۶ فراز ۲ می‌فرماید: «... و دادن آنچه ایشان را واجب و لازم است پیش از درخواست».

از این فراز این نکته بر می‌آید که بخشش و نیکوکاری در حق نیازمندان و مستحقان می‌بایست قبل از درخواست آنان باشد؛ بدین معنی که کرامت انسانی‌شان حفظ شود و صدمه‌ای نبینند.

#### ۸/۴. اصل رفق و مدارا

امام سجاد (ع) در دعای ۲۷ فراز ۱۰ از درگاه خداوند خواستار پراکنده شدن کفار و عدم همبستگی

آنان بر علیه مسلمین می‌شود و می‌فرماید: «بار خدایا کفار را از دست‌درازی به مرزهای مسلمانان (یا به طوائف مسلمانان) به خودشان وادار و بکاستنشان از کاستن مسلمانان جلوگیری (هلاک و تباهشان گردان) و به پراکندگی‌شان از اجتماع و گرد آمدن بر مسلمانان باز دار».

ایشان در این فراز از خداوند می‌خواهد که همبستگی دشمنان را به پراکندگی برساند تا موجب انصراف آنان به رویارویی با مسلمانان شود.

در دعای ۲۷ فراز ۵ می‌فرماید: «بار خدایا ... و در راه‌های (اندیشه‌های جنگی) سرگردانشان گردان و از چیزی که با آن رو آورده‌اند (قصد جنگیدن با مسلمین) گمراهشان ساز، و ...».

در این فراز هم امام (ع) از خداوند متعال می‌خواهد که دشمنان را سرگردان کند تا نتوانند با مسلمین درگیر شوند.

در دعای ۲۷ فراز ۱۱ می‌فرماید: «بار خدایا ... آنها (دشمنان اسلام) را از زد و خورد با دلیران (اسلام) بترسان و ...».

در این فراز از خداوند می‌خواهد که دشمنان از دلیران و رزمندگان اسلام بترسند و در واقع درگیر جنگ نشوند. چراکه بسیاری از نیات و مقاصد انسان که از قبل با ترس توأم باشد به واقعیت نخواهد رسید.

«امام (ع) در دعای مرزبانان (شماره ۲۷) اوج مصلحت‌گرایی، تساهل و مدارای خود را نشان می‌دهد. و اینکه جهانی می‌اندیشد و روزی که مصالح جهانی اسلام مطرح است و دشمن خارجی رو در رو ایستاده است باید به اسلام و مسلمانان به معنای اعم اندیشید و امام (ع) در همه فرازهای این دعا از تعبیر مسلم و مسلمین و اهل ثغور استفاده می‌کند که لفظی عام‌تر از مؤمنان یا شیعیان است». (برزگر، ۱۳۸۳، ص ۴۱)

امام (ع) در دعای ۲۰ فراز ۲۹ می‌فرماید: «بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست ... و در روزگار مهلت (زندگانی دنیا) به طاعت و بندگی‌ات بگمار و راهی هموار به سوی محبت و دوستی‌ات ...».

«مهلت (که در این فراز آمده) در لغت به معنای مدارا و رفق هم به کار می‌رود و رفق از صفات حمیده است که رعایت آن در روابط اجتماعی بسیار سودمند است». (شرف‌الدین الموسوی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۱)

امام (ع) در دعای ۲۰ فراز ۱۰ می‌فرماید: «بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست و مرا به زینت صالحان و شایستگان آراسته فرما و زیور پرهیزگاران را به من ببوشان و با نرم‌خویی و نیکوروشی و سنگینی و خوش‌خویی و ...».

«در این فراز لغت "عریکه" را طبیعت معنی کرده‌اند و «لئن العریکه» را تمثیل برای نرم‌خویی و "خفص جناح" را تمثیلی برای تواضع و "سکون ریح" را کنایه از وقار گرفته‌اند.» (حسینی شیرازی، ۱۴۱۱، ص ۳۴۷)

«منظور امام سجاد (ع) در دعای مکارم اخلاق از عبارت "سکون ریح" دعا نمودن درباره مسلمانان است، از خدا می‌خواهد که آنان را موفق بدار در حین صلح و آرامش، موقعی که در کوچه و بازار یا در مسجد و خانه یکدیگر را ملاقات می‌نمایند در کمال صفا و آرامش باشند، امواج قدرتی را که در مقابل کفار و مشرکین از خود بروز می‌دادند فرو نشانند و در مقابل برادران دینی خویش چهره صولت و غلبه به خود نگیرند و با آرامش و سکون با آنان ملاقات نمایند.» (شرف‌الدین الموسوی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۲) به عبارتی نسبت به همدیگر رفق و مدارا داشته باشند. هرچند که رفق و مدارا فقط معطوف به مواجهه تنها نیست، اما از جلوه‌های بارز آن به حساب می‌آید.

امام (ع) در دعای ۲۶ فراز ۲ در خصوص نحوه رفتار با همسایگان می‌فرماید: «و آنان را توفیق ده برای فراگرفتن اخلاق نیک خودت در سود رساندن به ناتوانان، جلوگیری از فقر و نیازمندی‌شان، و رفتن نزد بیمارشان، و راهنمایی راهجویشان، و اندرز دادن مشورت‌کنندگان، و دیدار از سفر آمده‌شان، و پنهان کردن رازهایشان و پوشاندن عیب‌هایشان ...».

از فراز فوق کاملاً نحوه مدارا و رفق با همسایه را امام (ع) بیان می‌فرماید. ایشان در دعای ۲۶ فراز ۳ در خصوص نحوه مدارا و رفق با همسایگان ناشایست می‌فرماید: «بار خدایا مرا بر آن دار که بدکردارشان را به نیکی پاداش دهی، و از ستمکارشان به عفو و بخشش درگذرم، و درباره همه ایشان خوش‌گمان باشم ... و آنچه برای خواص و نزدیکان رعایت داشته در نظر دارم برای ایشان رعایت کنم.».

در این فراز امام (ع) اوج مدارا و رفق با همسایگان ناشایست را به ما می‌آموزد، به ویژه خوش‌گمانی که یکی از جلوه‌های مهم مدارا و رفق است را متذکر می‌شود و همچنین حتمی بودن رفق و مدارا با بستگان و خویشاوندان را (هرچند که رابطه با همسایگان رابطه‌ای خاص است، لکن رابطه با خویشان و بستگان اولی است).

#### ۹/۴. اصل وفای به عهد

این مالک خطاب به امام سجاد (ع) می‌گوید: از تمام قوانین دین مرا آگاه کن. ایشان می‌فرماید: «گفتار حق و داوری به عدالت و وفای به عهد».

ایشان در دعای ۴۷ فراز ۸۸ می‌فرماید: «و تو خود به تنهایی به من احسان و نیکی کن به آنچه (هدایت و راهنمایی که) با آن احسان نمودی کسی را که به عهد و پیمان تو وفا کرده (به تو ایمان آورده) و خود را درباره (طاعت از) تو به رنج انداخته ...».

امام (ع) در این فراز احسان خدا را به تنهایی می‌خواهد چراکه کسی که در اطاعت از خدا پای‌بند وعده خویش باشد، خدا هم می‌بایست بدو احسان و نیکی کند.

امام (ع) در دعای ۴۵ فراز ۲۳ در سخت‌بودن وداع با ماه رمضان می‌فرماید: «و از این رو ما آن را وداع و بدرود می‌نماییم ... و مانند وداع کسی که او را بر عهد و پیمان نگاه‌داشتنی و احترام رعایت‌کردنی و حق اداء و پرداخت شدنی ثابت و پابرجاست، پس ...».

امام (ع) در این فراز تشبیهی آورده است که وداع با رمضان سخت است همانند کسی که پای‌بند به وعده خویش است و ما قبل از ادای دین خود می‌خواهیم با او وداع کنیم.

ایشان در دعای ۴۷ فراز ۶۰ می‌فرماید: «بار خدایا ... پس از آنکه پیمان آن امام را به پیمان خود پیوسته و او را سبب خوشنودی خویش گردانیده‌ای، و طاعت و فرمانبرداری از او را واجب کرده، و از فرمان نبردن از او ترسانیده‌ای ...».

امام (ع) در این فراز اشاره به این نکته دارد که اطاعت و بندگی از خدا و رسول او و ائمه اطهار نوعی قرارداد و وفای به عهد و پیمان است. امام (ع) در دعای ۳۱ فراز ۱۱ نیز می‌فرماید: «بار خدایا پس اینک منم که به درگاه تو آمده‌ام در حالی که فرمانبرم ... و خواهان وفای به وعده‌ات در اجابتی که به آن وعده داده‌ای ...».

امام (ع) در این فراز اشاره به پیمان و وعده‌ای دارد که خداوند با انسان بسته، که «بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را»<sup>۱</sup> همچنین اشاره است به عهد و پیمان و قرارداد اطاعت خدا و در عوض احسان و برآوردن نیازهای انسان توسط او.

در دعای ۳۰ فراز ۱ نیز می‌فرماید: «بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست، و مرا برهان از وامی که به سبب آن آبرویم را (در میان مردم) ببری، و هوشم در آن پریشان شود و اندیشه‌ام به آن پراکنده گردد ...». ایشان در این فراز برای پرداختن وام از خداوند کمک می‌خواهد و پرداخت وام و دیون در واقع همان وفای به عهد و پیمان است.

همچنین در دعای ۳۰ فراز ۲ می‌فرماید: «و به تو پناه می‌برم ای پروردگار از اندوه قرض و اندیشه آن و از مشغول بودن به (کار) وام و بی‌خوابی ...». در این فراز امام (ع) سخن از اندوه و فکر و ذکر وام و بی‌خوابی مربوط آن سخن می‌گوید و این نشان‌دهنده تعهد و وفاداری امام (ع) به عهد و قرارداد (وام) است.

#### ۱۰/۴. اصل عزت نفس

«در همه جای صحیفه مبارکه سجادیه، نفس انسان محترم شمرده شده است، و تمام ابعاد تربیت اخلاقی در این مصحف شریف مبتنی بر حفظ کرامت و عزت نفس انسان است.» (داوودی‌راد، ۱۳۷۵، چکیده) از آنجایی که صحیفه سجادیه به زبان دعا بیان شده است و می‌دانیم مخاطب دعا «خداوند تبارک و تعالی» است، لذا این خود مبتنی بر کرامت و عزت نفس انسان است؛ چراکه فقط درگاه خدای بزرگ را شایسته تضرع و زاری دانسته است. امام سجاد (ع) در دعای ۴۷ فراز ۱۱۸ می‌فرماید: «و مرا در درگاهت خوار (مطیع) و نزد آفریدگانت عزیز و ارجمند گردان ...».

«امام در این فراز عزت را منحصرأ از جانب خدا می‌داند و آنچه به او متصل باشد و از ذات او سرچشمه گیرد، مانند بندگان با تغییر شرایط و موقعیت از بین نمی‌رود و ثابت است، پس آن عزت ثابت و پایدار از آن خداست.» (حق‌شناس، ۱۳۸۶، ص ۹۲)

امام سجاد (ع) در دعای ۳۵ فراز ۵ به ثابت و پایدار بودن عزتی که از آن خدا باشد اشاره می‌کند: «... و ما را به عزت و بزرگی که از دست نمی‌رود تأکید و کمک فرما ...».

و همچنین امام سجاد (ع) در دعای ۴۷ فراز ۱۱۹ می‌فرماید: «... و از اندوه و ذلت و خواری (نزد مردم) و رنج و گرفتاری (در کارها) پناهم ده و ...».

یکی از عوامل ذلت نزد مردم، قرض گرفتن از آنها و اظهار حاجت به آنهاست؛ امام سجاد (ع) در دعای ۵ فراز ۱۳ می‌فرماید: «پس بر محمد و آل محمد درود فرست، و ما را به قدرت و توانایی خود از (زبان) بندگان دور ساز، و به بخشش خود از دیگری بی‌نیاز گردان ...».

همچنین امام سجاد (ع) در دعای ۲۰ فراز ۲۶ فقر را باعث خواری می‌داند و می‌فرماید: «بار خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست، و آبرویم را به توانگری حفظ فرما، و ارجمندیم را به تنگدستی خوار مگردان ...»؛ چراکه انسان در مقابل فقر ضعیف است.

ایشان در دعای ۲۲ فراز ۲ می‌فرماید: «خدایا مرا به رنج توانایی و برگرفتاری شکیبایی و بر درویشی قدرت نمی‌باشد ...».

«در نظر امام سجاده (ع) قناعت انسان را به کفایت و بی‌نیازی می‌رساند». (همان، ص ۷۸)

«کسی که به کفایت دست یابد، زندگی او با بقیه تفاوت دارد؛ زیرا زندگی در حد کفایت به معنی دارایی و ثروت هنگفت و ذخیره‌های زر و زیور نیست. بنابراین، آن کس که بیشتر از همه می‌اندیشد باید در پناه پول به آسایش برسد، پس از گذراندن سختی‌ها و رسیدن به خواسته‌هایش درمی‌یابد که آرامش، در پناه خیال تهی و نادرست او نیست و اگر هزاران برابر این داشته باشد، ولی امنیت روحی و آرامش دل و جان نداشته باشد، هرگز سر بر بالین آسایش نخواهد گذاشت». (ممدوحی کرمانشاهی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۵۷)

امام سجاده (ع) در دعای ۲۸ فراز ۶ می‌فرماید: «زیرا بسا از مردم را دیدم که به وسیله جز تو عزت و بزرگی طلبیدند و خوار شدند...».

امام (ع) در این فراز عزت را فقط مختص خداوند می‌داند.

امام در دعای ۴۸ فراز ۱۵ می‌فرماید: «ای خدای من اگر تو مرا بلند مرتبه گردانی پس کیست آنکه مرا پست کند، اگر مرا پست کنی پس کیست آنکه بلندم گرداند، و اگر مرا گرامی می‌داری پس کیست آنکه خوارم کند، اگر مرا خوار کنی پس کیست آنکه گرامی‌ام دارد...».

«نکته قابل ذکر این است که در دعای مکارم اخلاق (۲۰) در یک جا امام سجاده (ع) از عزتی به نام «عزت ظاهری» یاد می‌کند که با عزت ممدوح قدری متفاوت به نظر می‌رسد؛ چراکه امام (ع) در مقابل آن از خداوند شکسته‌نفسی و فروتنی می‌خواهد. امام سجاده (ع) در دعای ۲۰ فراز ۴ می‌فرماید: «بار خدایا بر محمد و آل او دورد فرست، و مرا در میان مردم به درجه و مقامی سرفراز مفرما جز آنکه پیش نفسم مانند آن پست نمایی، و ارجمندی آشکار را برایم پدید میآور جز آنکه به همان اندازه پیش نفسم برای من خواری پنهان پدید آوری». این عزت ظاهری با عزتی که امام (ع) در جاهای دیگر از خداوند می‌خواهد متفاوت است، چراکه عزت باطنی با روح شخص عزیز آمیخته می‌شود و در اعماق وجودش جای می‌گیرد، ولی عزت ظاهری، احترامی است که مردم نسبت به شخص عزیز معمول می‌دارند و او را مورد تکریم خود قرار می‌دهند. همچنین با توجه به تعریفی که راغب اصفهانی از عزت در *المفردات* ارائه می‌دهد و می‌نویسد: «عزت،

حالتی در انسان است که مانع از آن می‌شود که بر او غلبه شود، شخصی که عزت روحی دارد آنقدر نیرومند و قوی است که در مقابل هوی و خواهش‌های نفسانی شخصیت بزرگ خود را از دست نمی‌دهد و به پستی و زبونی نمی‌گراید. اما عزت ظاهری با پستی و زبونی روح منافات ندارد». (حق‌شناس، ۱۳۸۶، ص ۹۳-۹۴)

محمدتقی فلسفی می‌نویسد: «در عزت باطنی افراد باایمان مکلف‌اند از پی آن بروند و خویشتن را عزیزانفس به بار آورند، اما در عزت ظاهری لازم نیست که شخص دارای عزت، دارای رفعت و کرامت نفس باشد، ممکن است کسی از جهتی مورد عزت مردم واقع شود و عملاً او را تکریم نمایند اما از نظر روحی زبون و فرومایه باشد». (فلسفی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۱۹-۲۲۰)

نکته دیگر اینکه عزت به معنای تکبر نیست و به همین دلیل است که امام (ع) پس از طلب عزت از خداوند درخواست می‌کند که دچار کبر نشود و در دعای ۲۰ فراز ۳ می‌فرماید: «... و مرا برای (بندگی) خود رام ساز و عبادتم را به عجب و خودپسندی تباه گردان ...».

امام سجاد (ع) در دعای ۳۵ فراز ۴ می‌فرماید: «... زیرا شریف و بزرگواری کسی است که طاعت و پیروی تو او را شریف گردانیده، و عزیز و گرامی کسی است که عبادت و بندگی او را عزیز کرده است». امام (ع) در این فراز اطاعت و بندگی خدا را سبب عزت آدمی می‌داند.

امام سجاد (ع) در دعای ۲۵ فراز ۱۱ می‌فرماید: «و مرا در جمله کسانی درآور که ... به وسیله تو از ذلت و خواری به عزت و بزرگواری رسیده ...».

ایشان در دعای ۲۳ فراز ۸ می‌فرماید: «بار خدایا (هرکس که با من آهنگ بدی کرده) ... ارجمندیش را خوار کنی، و بزرگیش را درهم شکنی، و بر گردنش طوق خواری بیاویزی و سرافرازش را بر هم زنی ...». امام (ع) در این فراز نیز خدا را عامل خواری و در هم شکستن انسان‌های بد می‌شناسد.

امام سجاد (ع) در دعای ۴۹ فراز ۱۰ می‌فرماید: «... و می‌دانستم کسی که در سایه رحمت تو جا گرفت شکست نمی‌خورد ...».

ایشان در این فراز به شکست نخوردن کسی که در سایه مناعت و عزت الهی جا

گیرد اشاره فرموده است.

### ۵. نتیجه‌گیری

با توجه به مفاهیم و معانی مندرج در صحیفه سجادیه می‌توان ادعا کرد که کتاب صحیفه سجادیه تنها یک کتاب دعا نیست که انسان در خلوت و تنهایی بدان تمسک جوید، بلکه منبعی مالمال از معارف الهی است که می‌تواند افق‌های مختلفی را بر روی خواننده آن بگشاید. یکی از این افق‌ها این است که به ما نشان می‌دهد در ارتباط با مردم چه اخلاقی بایسته است؟

در این مقاله ده اصل از اصول اخلاق اجتماعی مندرج در صحیفه سجادیه ذکر شده که تنها قطره‌ای از این دریای بیکران است.

خلاصه اینکه انسان مومن با تمسک به آموزه‌های دینی از جمله ادعیه ائمه اطهار (ع) می‌تواند پله‌های ترقی در کسب فضائل اخلاق اجتماعی را طی کند و در زندگی روزمره خود آنها را به کار بندد.

### فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ۱۳۷۹، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دار القرآن الکریم، چاپ اول.
۲. علی بن حسین، ۱۳۷۵، صحیفه سجادیه، شرح و ترجمه: سید علی نقی فیض الاسلام، بی‌جا، بی‌نا.
۳. برزگر، ابراهیم، «رابطه عرفان و سیاست در صحیفه سجادیه»، در: فصلنامه اندیشه دینی، ش ۱۲، ص ۴۱.
۴. جزایری، سید محمدعلی، ۱۳۸۲، درس اخلاق اسلامی، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۵. حسینی شیرازی، سید علی‌خان، ۱۴۱۱، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سیدالساجدین، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۶. حق شناس، حمیدرضا، ۱۳۸۶، «رویکرد صحیفه سجادیه به اخلاق اجتماعی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، دانشکده الاهیات.
۷. حلبی، علی‌اصغر، ۱۳۸۲، تاریخ تمدن در اسلام، تهران، اساطیر.
۸. داودی‌راد، سعیده، ۱۳۷۵، «تربیت اخلاقی در صحیفه کامله سجادیه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
۹. رازی، فخرالدین، بی‌تا، جامع العلوم، بی‌جا، بی‌نا.

۱۰. رکنی‌یزدی، فاطمه، ۱۳۸۳، «ره‌توشه‌ای از دعای مکارم‌الاخلاق»، در: مشکوه، ش ۸۴ و ۸۵، ص ۸۴.
۱۱. سادات، محمدعلی، ۱۳۸۴، *اخلاق اسلامی*، تهران، سمت.
۱۲. شرف‌الدین الموسوی، معصومه، ۱۳۸۶، «اصول تربیتی و اخلاقی در صحیفه کامله سجادیه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه قم، دانشکده‌الاهیات و معارف اسلامی.
۱۳. شیروانی، علی، ۱۳۸۴، *اخلاق اسلامی و مبانی نظری آن*، قم، دارالفکر، چاپ چهارم.
۱۴. صالح غفاری، محمدعلی، ۱۳۷۲، *مدینه فاضله*، بی‌جا، برهان.
۱۵. فرزانه، عبدالحمید، ۱۳۸۴، «انسان در صحیفه سجادیه»، در: *فصلنامه اندیشه دینی*، ش ۱۵، ص ۷۳.
۱۶. فلسفی، محمدتقی، ۱۳۷۰، *شرح و تفسیر دعای مکارم‌الاخلاق*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۷. قائمی، علی، ۱۳۶۴، *اخلاق و معاشرت در اسلام*، تهران، انتشارات امیری.
۱۸. کریب، راجر، ۱۳۷۸، «اخلاق و فرا اخلاق»، بهروز جندقی، در: *نقد و نظر*، ش ۱۹ و ۲۱، ص ۳۹۸.
۱۹. کوئن، بروس، ۱۳۸۳، *مبانی جامعه‌شناسی*، غلامعلی توسلی و رضا فاضل، تهران، سمت.
۲۰. کیخا، نجمه، ۱۳۸۶، *مناسبات اخلاق و سیاست در اندیشه اسلامی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۱. لاهیجی، عبدالرزاق، ۱۳۷۷، *گوهر مراد*، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
۲۲. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفا، ج ۶۷.
۲۳. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۷، *اخلاق در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ پنجم.
۲۴. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۶، *فلسفه اخلاق*، تحقیق و نگارش: احمدحسین شریفی، [بی‌جا]، چاپ و نشر بین‌الملل.
۲۵. مصباح، مجتبی، ۱۳۸۱، *فلسفه اخلاق*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ دهم.
۲۶. ممدوحی کرمانشاهی، حسن، ۱۳۸۱، *شهود و شناخت*، قم، مؤسسه فرهنگی سما.
۲۷. مهدوی کنی، محمدرضا، ۱۳۷۴، *نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۲۸. ویلیامز، برنارد، بی‌تا، *فلسفه اخلاق*، ترجمه و تعلیقات: زهرا جلالی، قم، انتشارات اسلامیة.
۲۹. هاشمی، سید حسن، ۱۳۸۸، *اخلاق در نهج البلاغه*، قم، بوستان کتاب.